

# فصلنامه علمی و پژوهشی

## فصلنامه علمی و پژوهشی

### فصلنامه علمی و پژوهشی

فصلنامه علمی و پژوهشی

فاطمه محمودی

فصلنامه علمی و پژوهشی



#### الف) درونمایه و محتوا

مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» - اولین اثر شعری سیدحسن حسینی - که در سالهای آغازین دهه اول انقلاب منتشر شد، مشتمل است بر سه فصل: سروده‌های سحرزاد، شب‌سروده‌ها و رباعیها. عناوینی که شاعر برای دو فصل اول برگزیده، خود مبین آن است که سروده‌های سحرزاد متعلق به دوران پس از انقلاب و شب‌سروده‌ها مربوط به پیش از انقلاب است.

بهره گرفتن از دو نماد «شب» و «سحر» و شبیه آن و به‌طور کلی این گونه تقسیم و فصل‌بندی شیوه‌ای است که برخی شاعران این دوره برای تفکیک سروده‌های خود، به کار گرفته‌اند.

در اغلب مجموعه شعرهایی که در سالهای اول انقلاب منتشر شد، موضوعات مشترکی را چون: تهنیت انقلاب و ارزشهای آن، دعوت به مبارزه و مقاومت، توصیف رشادتها و حماسه آفرینیهای پاسداران و رزمندگان، شهادت‌طلبی و رشک بر شهیدان و همچنین پاسداشت شخصیت‌های انقلاب و سرآمدان عرصه جهاد و... می‌توان دید. آنچه می‌تواند - با وجود چنین اشتراکی - شعر شاعری را از دیگران ممتاز سازد، هنر شاعری و نحوه پرداخت موضوعات است و به همین سبب، شعر برخی شاعران این دوره را ناپایا و زوال‌پذیر و شعر برخی را - با وجود درونمایه‌هایی مشترک - پایا و دلپذیر و ماندنی می‌یابیم. مرحوم حسن حسینی نیز یکی از شاعرانی بوده است که بخش عمده‌ای از شعرهای او - به‌ویژه رباعیهای

هنوز زلال و شیرین برای جریان و بارآوری و بهارآوری بود. تقاشی و طبع طنزش مجال نو بودن و نو مافس داشت، و هنوز سخن دلپذیرش بیش از آنکه زینت‌بخش موزه خاطره‌ها و بزرگداشتها شود می‌توانست مؤثر و کارآمد باشد... اما تقدیر چنین بود...

اهل دل بود و خلوتی داشت بادل و «بیدل»، و از این رهگذار کلام او را لطفی و تأثیری که دلیل راه نوجویان عرصه شعر و شاعران جوان و جوان‌دل گردید. اگرچه در هجوم آثاری بی‌مایه و غالباً تقلیدی - که همچون لباسی از وصله‌های ناجور بر قامت رشید شعر امروز نشسته‌اند - رغبتی به نشر رایحه ذوق سرشار و طبع لطیفش نداشت، اما همان آثار کم‌حجم و معدود شعری که از خود به یادگار گذاشت، مکان و مرتبه شایسته او را در شعر معاصر و به‌ویژه در شعر و ادب پایداری می‌نمایاند.

آنچه در پیش روی دارید، برگرفته از پژوهشی است در شعر زنده‌یاد «سیدحسن حسینی» که رویکرد اصلی آن دست یافتن به مختصات و ویژگیهای شعر او و شیوه آن، بررسی پنج عنصر شعری:

«محتوا، تخیل، شکل و قالب، زبان و موسیقی» در آثار شعری اوست.

هرچند که همواره بر آنم که آنچه کلام او را گیرا و ماندگار کرده است، نه ویژگیهای صوری و نه هیچ‌یک از این عناصر، بلکه همان گرمی و لطف کلام دلنشین اوست.

دلنشین و هنرمندانه‌اش - در تاریخ شعر معاصر، ماندگار شد. اما اگر به تحلیل و بررسی محتوا و درونمایه سروده‌ها - در دو مجموعه «هم‌صدا با حلق اسماعیل» و «گنجشک و جبرئیل» - بپردازیم، به چنین نتایجی دست می‌یابیم:

۱- در بخش «شب‌سروده‌ها» - از مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل - بیان شعری شاعر اغلب تمثیلی و نمادین است که برای پرداختن به مضامین حوزه مقاومت و پایداری، شیوه مناسب‌تری به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال می‌توان از دعوی شب و روز (هم‌صدا با... ص ۱۰۰) و توصیف تولد و وفات «شهاب» و... یاد کرد.

۲- در سروده‌های سحرزاده، نوع نگاه شاعر، کاملاً آرمانی، امیدوار و نویدبخش است و توصیفات او اغلب همراه با تقدیس و تعظیم است و شکوه و شکایت در شعر او راه ندارد، مگر شکایت از خویشتن، در واقع در فضای آرمانی و روشنی که حاصل پیروزی انقلاب بود، جهت نگاه شاعر رو به اوج است، اما سالهای بعد که سختی صخره‌های اغراض و خار طعنه‌ها و زخم دورنگیها، پای دل شاعر را آزرده می‌سازد، ناگزیر گاهی نگاه از قله برمی‌گیرد و به زیر پای خویش می‌افکند، از این روست که بعدها، گاهی شرنگ ملامت‌گری را چاشنی کلام شیرین خود می‌سازد.

۳- مسئله آمیختگی حماسه و تغزل - که از شاخصه‌های شعر دفاع مقدس است - در شعر حسینی نیز به خوبی نمود یافته است، به‌ویژه در شعرهای سنتی او، غالباً توصیفات حماسی و واژه‌هایی چون شمشیر، خنجر و دشنه و خون... را با بیانی تغزلی و غنایی آمیخته می‌یابیم:

«بیا عاشقی را رعایت کنیم  
ز یاران عاشق حکایت کنیم...  
بین خانقاه شهیدان عشق  
صف عارفان غزل‌خوان عشق  
چه جانانه چرخ جنون می‌زنند  
دفع عشق با دست خون می‌زنند  
به رقصی که بی‌پاسر می‌کنند  
چنین نغمه عشق سر می‌کنند  
هالا منکر جان و جانان ما  
بزن زخم انکار بر جان ما  
اگر دشنه آذین کنی گردهمان  
نیینی تو هرگز دل آزرده‌مان...»

۴- در مقایسه شعرهای نو و سنتی سروده‌های سحرزاده، می‌توان به این نکته اشاره کرد که شعرهای سنتی این بخش نسبت به شعرهای نو و حتی شب‌سروده‌ها، از عمق و ژرفای کمتری برخوردارند و گاهی ساده و سطحی به نظر می‌رسند اما در شعرهای آزاد، نوع نگرش شاعر به مسائل پیرامون و موضوعات سیاسی داخلی و حتی فراملی، عمیق‌تر و دقیق‌تر است. نکته دیگر آنکه بیان شعری در این دسته از سروده‌ها غالباً نمادین و غیر صریح است.

مثلاً شاعر در مذمت کسانی که پس از انقلاب چشم امید به سویی دیگر دوخته‌اند چنین سروده است:

...این خنده‌دار نیست؟

هنگام فجر و رویش خورشید بی‌زوال  
بوزینگان

## به کرم شب‌تاب دلخوشند

(هم‌صدا با... ص ۴۳)

۵- در مجموعه «گنجشک و جبرئیل» مایه اصلی اغلب شعرها برگرفته از فرهنگ عاشورا است و شاعر گاهی صریح و مستقیم و گاهی نیز با بیانی نمادین، از واقعه کربلا، شجاعتها و دلیریها و نیز از تأثیر آن بر حماسه‌سازیهایی رزمندگان و حماسه‌آفرینان دفاع مقدس سخن می‌گوید.

### ب) تخیل

توجه به عنصر «خیال» خصوصیتی است که نه تنها در شعر، حتی در نثر حسینی نیز به چشم می‌خورد، او خیال را «عمود خیمه هنر» می‌داند و حتی بر این عقیده است که «تراجم خیال در شعر، بهتر از بی‌خیالی است!» به هرحال، عنصر «خیال» در شعر او از جایگاه و پایگاه قابل توجهی برخوردار است، هرچند که در برخی اشعار دوره جوانی او، این عنصر به کمال و پختگی لازم نرسیده است اما با توجه به فضای کلی شعر او، بهره‌گیری مناسب از «تخیل» را می‌توان از نقاط قوت شعر وی به شمار آورد. و این خاصیت البته مرهون طبع لطیف و خیال نازک اوست که در مکتب شعر بیدل و انس با شعر سبک هندی خود را به کمال نزدیک کرده است و از این رهگذار است که تناسب و شباهتها و مناسبات میان اشیاء و حالات و معانی را به خوبی درک می‌کند.

### - محور عمودی خیال:

تصویرگری و تصویرپردازی در ساختار عمودی شعر، تنها در شعرهای آزاد «حسن حسینی» نمود یافته است و شعرهای سنتی او - همچون اکثر قالبهای سنتی شعر امروز - فاقد این خصوصیت است.

### نمونه‌ای از شعر نو:

«سسترش: قیر سکوت / مادرش تاریکی / تاب گهواره او دغدغه است /  
شیشه شیرش: ظلمات / دل من می‌سوزد / طفل بیچاره: شهاب!...»  
(هم‌صدا با... ص ۹۲)

### - محور افقی خیال:

/ تشبیه: در شعر حسن حسینی، تشبیه بیش از آنکه به‌طور گسترده و کامل دیده شود، در شکل فشرده (اضافه تشبیهی) به کار رفته است و عنصر سازنده تشبیه غالباً «طبیعت» است.

نمونه‌هایی از «اضافه تشبیهی»:

آذرخش اضطراب / (هم‌صدا با... ص ۱۲)

شغالان نفاق / (هم‌صدا با... ص ۲۵)

گرگ فتنه / گنجشک و جبرئیل ص ۶۳)

موشهای تجاهل / (هم‌صدا با... ص ۴۶)

آفتاب حادثه / (هم‌صدا با... ص ۲۱)

تراجم تبخیر / گنجشک و جبرئیل ص ۱۶)

### استعاره:

در شعرهای دو مجموعه یادشده، استعاره مصرحه کاربرد زیادی ندارد مگر آن دسته از واژه‌ها که به علت کثرت کاربرد، در شعر او تبدیل به نماد شده‌اند، مثلاً در این شعرها - به‌ویژه در مجموعه «هم‌صدا با حلق اسماعیل» همواره از دشمن و منافق با عناوین «کفتار»، «خفاش»،

«شغال» و... یاد شده است.

می خورد مغز اختران در کاسه شب  
در باغها جای صنوبر «دار» می رست  
بر کف ظلمت ساقه های «مار» می رست...

(هم صدا با... ص ۲۵)

### استعاره مکنیه:

بر خلاف استعاره مصرحه، این نوع از استعاره - چه به صورت فشرده (اضافه استعاری) و چه به صورت گسترده، (غیر اضافی) در شعر حسینی زیاد به کار رفته و در واقع از پرکاربردترین آرایه های شعری او - به ویژه در شعرهای آزاد و رباعیات - است.

نکته قابل توجه اینکه، بهره گیری از این آرایه و به طور کلی عنصر خیال، در مجموعه «گنجشک و جبرئیل» پیچیده تر و هنری تر و بدیع تر است.

- نمونه هایی از استعاره مکنیه در دو مجموعه:

- حلق ظلمت / (هم صدا با حلق اسماعیل ص ۱۱)

جزر و مد تیغ / (هم صدا با... ص ۲۶)

گیجگاه باد / (هم صدا با... ص ۴۷)

کام موذی وجدان / (هم صدا با... ص ۹۹)

حنجره تفنگ / (هم صدا با... ص ۱۶۰)

در بند بند برزخی ام ناله می تپید / (گنجشک و جبرئیل ص ۹)

اندام سرنوشت / (گنجشک و جبرئیل ص ۱۰)

آرواره آب / (گنجشک و جبرئیل ص ۵۸)

آستین منطقی ساحل / (گنجشک و جبرئیل ص ۷۸)

دست متورم زمین / (گنجشک و جبرئیل ص ۸۴) ...

- **شعرهای آزاد:** شعرهای آزاد این مجموعه - چه نیمایی و چه سپید - اغلب نسبت به برخی شعرهای سنتی این مجموعه، پخته تر و منسجم تر به نظر می رسند، شاعر در اکثر این شعرها توانسته است میان صورت و محتوا به خوبی ایجاد ارتباط کند و با تغییر و تنوع در شکل و ساختار شعر، فضایی منطبق با مضمون پدید آورد. چنان که مثلاً در شعر «تنفس آتشفشان سرد» شاعر با استفاده از عبارات منقطع، توانسته است فضای وهم آلود و پرتلهاب جنگل را - پس از کشته شدن میرزای جنگلی - به خوبی برای خواننده مجسم سازد:

«جنگل

سکوت

هیچ...

آهسته یک قدم

در متن احتیاط

ضربان بی امان

فاجعه در گیجگاه باد

تلواسة تفنگ

رؤیا و بوی ماه در شامه پلنگ

ضربان نبض مرگ بی تابی زمین

در انتظار برگ...

(هم صدا با... ص ۴۷)

- مجموعه «گنجشک و جبرئیل»؛ این اثر تنها در بردارنده سروده های نیمایی و سپید است و در واقع می توان آن را شکل بالغ و کامل تر همان نوسروده های «هم صدا با حلق اسماعیل» به شمار آورد.

### د) مسئله زبان:

۱- زبان شعر حسن حسینی، زبانی بهنجار، آشنا و اغلب مطابق با زبان معیار است و شاعر در آن هرگز اهتمام بر هنجارگریزی و آشنایی زدایی - به طور تصنعی - نداشته است.

۲- در مجموعه «گنجشک و جبرئیل» زبان شعر فخیم تر، و ترکیبات - اغلب - پیچیده تر از مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» است. در واقع در مجموعه «گنجشک و جبرئیل» شاعر بیشتر از بساخته های فکر و ذوق خود استفاده کرده و در نتیجه فهم آن را مستلزم تأمل و دقت بیشتری ساخته است.

۳- واژگان کهن در ساختار زبانی شعر حسینی جایگاهی ندارند اما ضمناً شاعر بر به کار نبردن این گونه واژه ها نیز تأکیدی ندارد و به اقتضای مقام و وزن شعر - البته به ندرت - از صورت کهن واژگان نیز استفاده کرده است. مانند «هشیواری»

(هم صدا با... ص ۳۹)

۴- بهره گیری طبیعی از واژگان و اصطلاحات عامیانه، خصوصیتی است که به بعضی اشعار او - خصوصاً رباعیها - صمیمیت و لطافت خاصی

### ج) شکل و قالب

در کتاب «هم صدا با حلق اسماعیل» - که در بردارنده شعرهایی در قالبهای مثنوی، غزل، رباعی، آزاد (نیمایی و سپید) است - اگر بخواهیم، عمده ترین، قوی ترین و هنری ترین قالب شعری شاعر را برگزینیم، بی گمان چیزی جز رباعی نخواهد بود. چراکه عمده قابلیت های شعری و استعداد ادبی و هنری وی در این بخش از سروده ها ظهور یافته و در واقع بیشتر شهرت شاعری او را باید مرهون همین رباعیات دانست.

آنچه این رباعیات - و به طور کلی رباعی پس از انقلاب - را از غیر آن ممتاز می کند و آن را در زمره پرکاربردترین قالب های شعری این دوره قرار می دهد، عبارت است از: بهره گیری از ترجمانی نو، تصاویری بدیع و نیز لطافت و صمیمیتی که به آن جلوه تازه ای بخشیده است. رباعی زیر نمونه ای است که همه این خصوصیات را می توان در آن یافت:

«از حنجره ات سپیده می نوشد آب

از جام دلت چو چشمه می جوشد آب

تا پاک شود همچو زلال سخت

دیری ست که مؤمنانه می گوشد آب»

(هم صدا با حلق اسماعیل ص ۱۱۸)

در میان دیگر قالب های این مجموعه، قالب مثنوی نیز از لطف و خیال انگیزی بی بهره نیست، چنان که مثلاً در مثنوی «شهیدان» شاعر با فضا سازی مناسب و بهره گیری از تصاویر به جا، ارتباط مناسبی میان صورت و محتوا ایجاد کرده است. در توصیف ظلمت چنین می گوید:

«خورشید تبعیدی به زندان افق بود

شب در هجوم بال خفاشان فرق بود

دیو سیاهی مظهر تلواسته شب

سالهای بعد که سختی صخره‌های اغراض و خار  
 طعنه‌ها و زخم دورنگیها، پای دل شاعر را آزرده  
 می‌سازد، ناگزیر گاهی نگاه از قله برمی‌گیرد و به  
 زیر پای خویش می‌افکند.

بخشیده است.

۵- و اما مهم‌ترین خصوصیت زبان شعر حسینی - که به اغلب شعرها و حتی نژاد و سخن مسموع او جلوة دیگری بخشیده است - آگاهی او نسبت به قابلیت‌ها و ظرفیتهای معنایی واژگان و توجه به مناسبات و روابط معنایی واژه‌ها و معانی چندگانه یک واژه است. هرگاه این آگاهی و رعایت مناسبات معنایی کلام با ذوق طنزپرداز او می‌آمیزد، کلام او را - دوچندان - دلپذیرتر و شیرین‌تر - و گاه گزنده‌تر - می‌یابیم.

### آهنگ و موسیقی

مسئله وزن و قافیه و ردیف... در شعرهای دو مجموعه یادشده، کاملاً طبیعی و معمول است و ویژگی خاصی ندارد. لذا، در اینجا تنها به بررسی موسیقی درونی (لفظی و معنوی) شعر می‌پردازیم:  
 - موسیقی لفظی: در شعر حسن حسینی، اگرچه آرایه‌های لفظی، همچون: جناس، واج‌آرایی و - به‌ویژه - موزان و ترصیع به چشم می‌خورد اما به‌طور کلی شاعر خود را به رعایت این‌گونه آرایه‌ها ملزم نموده و در بند وجهه آوایی و صورت لفظی شعر گرفتار نبوده است.  
 - موسیقی معنوی: در میان عناصر مؤثر بر موسیقی معنوی شعر، آرایه‌هایی چون: ایهام، ایهام تناسب، تشخیص، تلمیح، تضاد و طباق و پارادکس، در شعر حسینی کاربرد بیشتری دارند:  
 ایهام: چنان‌که در مبحث «زبان شعر» اشاره شد، توجه به ظرفیتهای معنایی واژگان از خصوصیات زبان شعر حسینی است، و همین خصوصیت کاربردهای ایهامی را در شعر و حتی نثر او رونق بخشیده است.  
 نمونه‌ای از نثر

(پُراده‌ها ص ۹۰)

مرگ در زندگی آشیل را از پاشنه درآورد و اسفندیار، هرچه دید از چشم خودش دید.  
 تلمیحات و اشارات:

در شعر حسینی، هم اسطوره‌های ملی نقش دارند: مثل کاه و ضحاک و رستم و فرهاد و بیستون و چاه بیژن و... و هم اشارات تاریخی و مذهبی و قرآنی، مثل اشاره به زندگانی پیامبران، مصائب اهل بیت، آیات و احادیث، اصحاب پیامبر، سرداران، دیباج اصفیر، نمرود، فرعون و... لازم به ذکر است که دسته دوم از تلمیحات و اشارات - به مراتب - پرکاربردتر از دسته اول هستند.

نمونه‌هایی از تلمیحات:

- «بیبار آتش کینه نمرودوار

خلیلی ام، ما را به آتش سپار»

(هم‌صدا با... ص ۴۱)

- «اینان که به خُلق و خوی اسماعیلند

در حادثه آبروی اسماعیلند



در گفتن لیبک به پیغمبر تیغ  
 بی تاب‌تر از گلوی اسماعیلند»

(همان، ص ۱۵۰)

- در امتداد پرسش تاریخی حسین (ع)

فواره‌های خون شما بهترین جواب»

(همان، ص ۲۰)

- «با دست نبی رقابتی داشت مگر

آن تیغ که بوسه زد به پیشانی تو»

(همان، ص ۱۰۹)

- ... و پیمان برادری ات / با جبل نور

چون آیه‌های جهاد / محکم

(گنجشک و جبرئیل ص ۳۸)

نمونه‌هایی از تضاد:

- «شفا می‌دهد آشکارا به دل

اشارات پنهانی چشم تو

(هم‌صدا با... ص ۳۴)

- «افزون شده از نام تو آوازه عشق

هر چند ز جمع عاشقان کم شده‌ای»

(همان ص ۱۴۶)

نمونه‌هایی از پارادکس:

- از حضيض این اوج

تا بلندای سقوط / هوس رخت کشیدن دارم...»

(همان ص ۹۷)

- «ای در قرار سرخت، مفهوم بی‌قراری...»

(همان ص ۲۶)

- «عریانی عارفانه شد جامعه تو...»

(همان ص ۱۱۸)